

اللَّهُمَّ احْمِ
الْحَمِيمَ الْكَرِيمَ!

چین و جنگ روسیه - اوکراین: ابهام تا موازنه سازی

شکیلا زارعی^۱

مختار صالحی^۲

چکیده

جنگ روسیه و اوکراین را می توان یکی از از مهم ترین تحولات ژئوپلیتیکی قرن بیست و یک دانست. در این میان، موضع گیری چین به عنوان متحد راهبردی روسیه اهمیت ویژه ای یافته است. این پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش است که چین چگونه به جنگ روسیه و اوکراین واکنش نشان داده است؟ فرضیه پژوهش بیان می کند چین رویکردی چندوجهی و مبتنی بر ابهام و دوگانگی اتخاذ کرده است؛ رویکردی که ضمن حفظ روابط با روسیه، در برابر غرب نیز موازنه ایجاد می نماید. تحلیل این رویکرد بر پایه نظریه واقع گرایی تدافعی انجام شده است. پژوهش با روش تحلیلی - تبیینی و با منابع کتابخانه ای و اینترنتی صورت گرفته و داده ها از طریق روش تحلیل مضمون بررسی شده اند. یافته ها نشان می دهد، چین از بحران اوکراین برای مقابله با نفوذ آمریکا، تضعیف اتحاد غرب و گسترش همکاری های اقتصادی، انرژی، فناوری و امنیتی با روسیه بهره برده است.

▪ واژگان کلیدی:

سیاست چین، بحران اوکراین، راهبرد روسیه، موازنه قوا، رویکرد چندوجهی.

درجه مقاله: علمی - پژوهشی

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۵/۰۲/۲۰

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۹/۱۰

^۱. کارشناسی ارشد روابط بین الملل، دانشگاه مازندران، بابلسر، مازندران، جمهوری اسلامی ایران. Shakilazarei36@gmail.com
^۲. نویسنده مسئول و استادیار روابط بین الملل، دانشگاه مازندران، بابلسر، مازندران، جمهوری اسلامی ایران. mo.salehi@umz.ac.ir

مقدمه

جنگ روسیه و اوکراین که در فوریه ۲۰۲۲ با حمله گسترده نیروهای روسی به خاک اوکراین آغاز شد، یکی از مهم‌ترین تحولات ژئوپلیتیکی قرن بیست‌ویک به شمار می‌رود. بحران اوکراین موجب شکاف عمیق میان روسیه و غرب گردید و زمینه را برای شکل‌گیری نوین مرزهای نظم جهانی فراهم ساخت. در این میان، چین به‌عنوان یکی از بازیگران کلیدی نظام بین‌الملل، در موقعیتی حساس و چندوجهی قرار گرفت. این کشور از یک‌سو روابط استراتژیک و سیاسی خود با روسیه را حفظ کرده و از سوی دیگر، در پی تداوم تعامل سازنده با غرب و پرهیز از رویارویی مستقیم با ایالات متحده و اتحادیه اروپاست.

رویکرد چین نسبت به جنگ اوکراین را نمی‌توان صرفاً در قالب حمایت یا مخالفت تفسیر کرد. پکن از همان ابتدای بحران، سیاستی مبتنی بر ابهام در پیش گرفت؛ سیاستی که ترکیبی از ملاحظات ژئوپلیتیکی، منافع اقتصادی، اصول ایدئولوژیک و ملاحظات دیپلماتیک است. از منظر پکن، روسیه شریکی ژئوپلیتیکی در شکل‌دهی به نظامی چندقطبی به‌شمار می‌رود. با این حال، چین از حمایت کردن کامل روسیه نیز پرهیز می‌کند، زیرا چنین اقدامی می‌تواند به انزوای بین‌المللی، کاهش سرمایه‌گذاری‌های غربی و تهدید منافع اقتصادی بلندمدت آن منجر شود. پکن تلاش می‌کند تصویر یک قدرت صلح‌طلب و مسئول در عرصه جهانی را حفظ کند؛ از سوی دیگر، نمی‌خواهد روسیه را که شریک حیاتی در مقابله با نفوذ آمریکا است، تضعیف نماید.

از منظر نظری، رویکرد چین به جنگ اوکراین را می‌توان در چارچوب نظریه رئالیسم تدافعی تحلیل کرد. بر اساس رئالیسم تدافعی، چین به‌دنبال افزایش قدرت نیست، بلکه به‌دنبال حفظ امنیت و جلوگیری از انزوای راهبردی در نظامی است که از سوی غرب هدایت می‌شود. علاوه بر آن، جنگ اوکراین فرصت‌هایی نیز برای چین فراهم کرده است. تشدید درگیری روسیه با غرب موجب افزایش وابستگی اقتصادی مسکو به پکن شد. این وابستگی، نفوذ چین در حوزه اوراسیا را تقویت کرده و در بلندمدت می‌تواند به نفع اهداف راهبردی ابتکار کمربند و جاده تمام شود. با این حال، تداوم جنگ نیز تهدیدی برای رشد اقتصادی چین محسوب می‌شود، چراکه پکن همچنان به صادرات به اروپا و ثبات در نظام مالی جهانی نیاز دارد. این دوگانگی باعث شده است که سیاست چین نسبت به جنگ اوکراین بر اساس محاسبات دقیق منافع ملی تنظیم شود. این مقاله با تمرکز بر رویکرد رسمی، رفتار دیپلماتیک و اقدامات اقتصادی چین، می‌کوشد به این پرسش پاسخ دهد که چین در قبال بحران روسیه و اوکراین چه رویکردی را در پیش گرفته است؟ فرضیه پژوهش مبتنی بر سیاست ابهام و دوگانگی چین در منازعه روسیه و اوکراین است.

که باعث افزایش موازنه قوا و حفظ تعادل و نفوذ چین نسبت به آمریکا و غرب می‌شود. یافته‌های این پژوهش مبتنی بر مضامین و کلیدواژه‌های مرتبط با سیاست خارجی چین است و در چارچوب روش پژوهش تحلیلی ذیل رئوسی چون الگوی رفتاری سیاست خارجی چین، پیوند راهبردی روسیه و چین، تهدیدات ادراک شده، سازوکارهای مشروعیت بخشی و چندجانبه گرایی و همچنین منافع اقتصادی چین مورد تحلیل قرار گرفته است.

ادبیات پژوهش. آیتزاناوا^۱، ویل^۲ و کائونرت^۳ در سال ۲۰۲۵ در مقاله‌ای تحت عنوان «روایت-های تهدید راهبردی چین: نگاهی ایده انگارانه و انتقادی امنیتی به جنگ روسیه و اوکراین»^۴ توضیح می‌دهند که چین چگونه با استفاده از جنگ اوکراین، گفتمان الگوی جدید روابط بین‌الملل را مطرح می‌کند تا نظم امنیتی جهان را از حالت غرب‌محور به سمت چندقطبی‌گرایی و رد سیاست تک قطبی تغییر دهد. آنها همچنین توضیح می‌دهند که چین با تأکید بر عدم اتحاد، عدم تقابل، چندجانبه‌گرایی، نقد تحریم‌ها و حمایت ضمنی از نگرانی‌های امنیتی روسیه، تلاش می‌کند خود را بازیگری بی‌طرف اما اصلاح‌گر معرفی کند.

گارسیا^۵ و مادلین^۶ در سال ۲۰۲۲ در مقاله‌ای تحت عنوان «روابط چین و روسیه و جنگ اوکراین»^۷ روابط چین و روسیه را در زمینه بحران اوکراین بررسی کرده و توضیح می‌دهند که این رابطه همزمان شامل چالش‌ها و فرصت‌ها است. چالش اصلی برای چین، تناقض بین شراکت راهبردی با روسیه و حمایت از حاکمیت و تمامیت ارضی دیگر کشورهاست و فرصت‌ها شامل بهره‌برداری از انزوای اقتصادی و تحریم‌های روسیه برای گسترش نفوذ چین در جنوب جهانی و پروژه‌های اقتصادی، مانند خط لوله گاز و ابتکار کمربند و جاده است.

بیبای^۸ در سال ۲۰۲۲ در مقاله خود تحت عنوان «چطور می‌توان چین را وادار کرد تا به پایان جنگ اوکراین کمک کند؟»^۹ توضیح می‌دهد که چین بین حفظ روابط نزدیک با روسیه و جلوگیری از تنش با غرب تعادل برقرار می‌کند. از یک‌سو، چین نمی‌خواهد روسیه را رها کند، چون این کشور شریک مهم راهبردی و امنیتی در منطقه و علیه نفوذ آمریکا است. از سوی دیگر،

1. Aitzhanova

2. Weil

3. Kaunert

4. China's Strategic Threat Narratives: An Ideationalist Critical Security Perspective on the Russian-Ukraine War

5. Garcia

6. Modlin

7. Sino-Russian Relations and the War in Ukraine

8. Biba

9. How to Make China Help Bring the War in Ukraine to an End

چین نمی‌تواند به‌طور آشکار از روسیه حمایت کند، چون ممکن است روابط اقتصادی و سیاسی‌اش با اتحادیه اروپا و آمریکا آسیب ببیند و شرکت‌هایش تحت تحریم‌های ثانویه قرار بگیرند؛ بنابراین، چین با مانور محتاطانه، اجتناب از اقدامات آشکار نظامی یا مالی و بیان مواضع مبهم سعی می‌کند هم‌زمان منافع امنیتی، اقتصادی و سیاسی خود را تأمین کند و از هر دو طرف بهره‌برداری استراتژیک داشته باشد.

مقاله حاضر در نظر دارد تحلیلی جامع و چندبعدی از نقش چین در جنگ روسیه و اوکراین را ارائه نماید و فراتر از تحلیل‌های تک‌بعدی گذشته، ترکیبی از ابعاد سیاسی، اقتصادی، امنیتی و رسانه‌ای را در سیاست خارجی چین بررسی کند. این پژوهش توضیح می‌دهد که چین چگونه با بهره‌گیری از راهبرد «بهم هوشمند»، منافع اقتصادی خود را حفظ کرده، روابط ژئوپلیتیکی با روسیه و غرب را هم‌زمان مدیریت می‌کند و درعین حال نقش خود را به‌عنوان میانجی بالقوه تقویت می‌کند. از این منظر، نوآوری اصلی پژوهش در ارائه تصویری پویا و چندلایه از سیاست خارجی چین است که در آن، روابط اقتصادی، امنیتی، رسانه‌ای و دیپلماتیک به‌صورت هم‌زمان بررسی و تحلیل شده‌اند و این نگرش وجه متمایز این پژوهش نسبت به مطالعات گذشته محسوب می‌شود.

چارچوب نظری. واقع‌گرایی جدید به دو زیرشاخه متمایز تقسیم می‌شود: واقع‌گرایی تهاجمی و واقع‌گرایی تدافعی. جان میرشایمر از چارچوب نظری واقع‌گرایی تهاجمی حمایت می‌کند، درحالی‌که کنت والتر با چارچوب نظری واقع‌گرایی تدافعی همسو است (Berebon, 88: 2023). واقع‌گرایان تدافعی استدلال می‌کنند که نظام بین‌الملل لزوماً منجر به تعارض و جنگ نمی‌شود و راهبردهای تدافعی اغلب بهترین مسیر برای تأمین امنیت هستند (Rudloff, 47: 2013)؛ دولت‌ها باید بر حفاظت از آنچه در اختیاردارند تمرکز کنند، نه حرص و طمع برای آنچه ندارند. آنان باید از سیاست‌های توسعه‌طلبانه پرهیز کنند و در عوض، احتیاط را پیشه کنند؛ خویشن‌داری را هدف نهایی نمی‌دانند، بلکه آن را وسیله‌ای برای دستیابی به امنیت می‌پندارند. علاوه بر این، استفاده از زور به‌عنوان ابزار ساخت دولت ناکارآمد است. هنگامی که استفاده از زور ضروری می‌شود، باید به‌عنوان آخرین راه‌حل و با محاسبه دقیق هزینه و فایده انجام شود؛ آنها سیاست‌هایی را ترجیح می‌دهند که بر بازدارندگی، مهار و دفاع از میهن متمرکز باشد. یک استراتژی متوازن بهینه باید این اهداف را از طریق منابع داخلی (تولید قدرت نظامی خود) و خارجی (ایجاد اتحادها) دنبال کند (Juneau, 2024: 5).

بر اساس دیدگاه جک اشنايدر، هر دو مکتب «واقع‌گرایی تدافعی» و «واقع‌گرایی تهاجمی» بر این باورند که انگیزه اصلی دولت‌ها، امنیت است. تفاوت آن‌ها در شیوه دستیابی به امنیت نهفته

است. از نگاه واقع‌گرایان تهاجمی، نظام بین‌الملل انگیزه‌های قدرتمندی برای رفتارهای تهاجمی ایجاد می‌کند. تمایل به «خوش‌بینی یا بدبینی» و یا تمرکز بر «تغییر در برابر تداوم» را می‌توان روشی عملی برای تشخیص دو شاخه واقع‌گرایی تهاجمی و تدافعی دانست (Edinger, 2022: 1878). واقع‌گرایی تدافعی والتز، نظریه‌ای سیستم‌محور و دولت‌محور درباره سیاست بین‌الملل ارائه می‌دهد. عناصر ساختاری واقع‌گرایی تدافعی والتز شامل آنارشی (به معنای فقدان حکومت مرکزی) و توزیع توانمندی‌ها در سراسر نظام بین‌الملل است. در این چارچوب، والتز سایر ویژگی‌های نظم بین‌المللی و همه‌ی خصوصیات دولت‌ها به‌جز توانمندی‌هایشان را از نظریه خود کنار می‌گذارد. علاوه بر این، والتز تنها دو فرض صریح درباره دولت‌ها مطرح می‌کند: نخست، دولت‌ها کنشگرانی یکپارچه (واحد) هستند؛ دوم، آن‌ها دست‌کم سیاست‌هایی را دنبال می‌کنند که بقای خودشان را تضمین کند (Heydarian pashakhanlou, 2018: 3).

به‌گفته کنت والتز، نظریه‌پرداز واقع‌گرایی تدافعی، آنارشی دولت‌ها را به کسب امنیت وامی‌دارد و این امر چند پیامد دارد: پیامد نخست این است که تلاش یک دولت برای افزایش امنیت، ممکن است باعث کاهش امنیت سایر دولت‌ها شود. پدیده‌ای که به آن دوراهی امنیتی گفته می‌شود. در این حالت، ایجاد امنیت متقابل از طریق همکاری بهترین راه برای کاهش این دوراهی است. پیامد دوم این است که از دید این دولت‌ها، قدرت، ابزاری برای دستیابی به امنیت است. پیامد سوم این است که از دید دولت‌ها، تلاش برای تسلط بر نظام بین‌الملل با خطرات زیادی همراه است. پیامد چهارم این است که دولت‌ها تمایل دارند رویکردی تدافعی اتخاذ کنند نه تهاجمی، زیرا جنگ هزینه‌های بسیار سنگینی دارد (Jyalita, 2021: 75).

بر اساس دیدگاه میرشایمر واقع‌گرایان تدافعی مانند والتز بر این باورند که اگر انباشت قدرت موجب به خطر افتادن امنیت دولت شود، کشورها از پیگیری آن خودداری خواهند کرد؛ بنابراین، هدف اصلی آنان دستیابی به میزان کافی از قدرت برای تضمین بقای خود است (Berebon, 2023: 89). دولت‌هایی که به واقع‌گرایی تدافعی گرایش دارند، تمایل دارند وضعیت موجود را حفظ کنند و به‌راحتی وارد جنگ با دیگران نمی‌شوند. این دولت‌ها معمولاً از روش‌های محدودکننده و همکاری استفاده می‌کنند، زیرا گسترش طلبی را گزینه‌ای هوشمندانه نمی‌دانند. به‌جای به چالش کشیدن هنجارهای بین‌المللی، دولت‌های پیرو واقع‌گرایی تدافعی ترجیح می‌دهند از قواعد موجود پیروی کنند، چراکه باور دارند این قواعد برای حفظ جایگاهشان در نظام بین‌الملل کفایت دارد؛ اما تجدیدنظرطلبان چنین دیدگاهی ندارند (Zhang, 2022: 291).

روش‌شناسی. این پژوهش کیفی و مبتنی بر روش تحلیلی است و از روش تحلیل مضمون برای تجزیه و تحلیل منابع گردآوری شده استفاده می‌شود و هدف آن استخراج الگوهای معنایی موجود در ادبیات رسمی چین درباره جنگ اوکراین و روابط این کشور با روسیه و غرب است. رویکرد تحلیل مضمون به پژوهشگر اجازه می‌دهد از دل مجموعه‌ای از بیانی‌ها، موضع‌گیری‌ها، سخنرانی‌ها و اسناد رسمی، مفاهیم محوری و الگوهای معنایی پایدار را استخراج کند و بر اساس آن‌ها ساختار تحلیلی مقاله را سامان دهد. منابع داده، شامل بیانی‌های رسمی وزارت خارجه چین، سخنرانی‌های مقامات چینی، اسناد سیاست خارجی، مواضع چین درباره جنگ اوکراین و روابط با روسیه و متون تحلیلی معتبر مرتبط با سیاست خارجی چین است. در مرحله نخست، متن‌های مورد مطالعه خط به خط بررسی شدند و عبارت‌ها، مفاهیم و الگوهای معنایی تکرارشونده به صورت کدهای اولیه استخراج شدند. این کدها همان کلیدواژه‌های معناداری هستند که در رویکرد چین به دفعات دیده می‌شوند و بیانگر جهت‌گیری کلان این کشور هستند:

فهرست ۱. سیاست خارجی چین در خصوص جنگ اوکراین

توضیحات	کدهای باز
رویکردی که عمداً مواضع شفاف ارائه نمی‌دهد تا واکنش‌پذیری بازیگران مقابل کاهش یابد.	سیاست مبتنی بر ابهام
نوعی رابطه استراتژیک که طرفین بر عمق، دوام و عدم محدودیت در همکاری تأکید می‌کنند؛ نشان‌دهنده هم‌پوشانی منافع امنیتی و ژئوپلیتیکی در سطح بالا	شراکت نامحدود
یک سطح پیشرفته از هم‌پیمانی که در آن سیاست‌های دو کشور فراتر از همکاری‌های معمول رفته و وارد حوزه‌های امنیتی، اقتصادی و نظامی عمیق می‌شود.	روابط دوجانبه بی‌حدومرز
مسیرهای جایگزین برای جلوگیری از تشدید تنش	راه‌حل‌های سیاسی و دیپلماتیک
به قواعد، نهادها و ترتیباتی اشاره دارد که رفتار دولت‌ها را محدود یا هدایت می‌کنند؛ مثل سازمان امنیت و همکاری اروپا، منشور سازمان ملل، اصول حقوق بین‌الملل	چارچوب‌های چندجانبه و قوانین بین‌المللی
رویکرد برخی دولت‌ها که تلاش دارند بدون جانب‌داری صریح، منافع امنیتی خود را حفظ کنند.	بی‌طرفی راهبردی و موازنه‌گرایی محتاطانه

اصل عدم مداخله و مخالفت با منطق جنگ سرد	تأکید بر این که دخالت در امور داخلی کشورها یا تقسیم‌بندی جهان به بلوک‌های متخاصم، تهدیدی برای ثبات منطقه‌ای و بین‌المللی است.
نگرانی‌های مشروع طرف روسیه	مجموعه دغدغه‌های امنیتی روسیه شامل گسترش ناتو، تغییر توازن قوا در مرزهای غربی و تهدیدات ژئوپلیتیکی که در ادبیات رسمی روسیه مورد استناد قرار می‌گیرد.
عملیات نظامی ویژه	اصطلاح رسمی روسیه برای توصیف مداخله نظامی در اوکراین؛ بیانگر چارچوب‌بندی سیاسی و گفتمانی این اقدام و نقش آن در بازتعریف امنیت منطقه‌ای
عاملان اصلی	بازیگران کلیدی در بحران: روسیه، اتحادیه اروپا، ایالات متحده، ناتو، اوکراین و بازیگران منطقه‌ای. اشاره به اینکه تصمیم‌های این بازیگران ساختار بحران را شکل می‌دهد.
مواضعی حساب‌شده و چندلایه	اتخاذ سیاست‌هایی که هم‌زمان چند هدف را دنبال می‌کنند
مفهوم چندجانبه گرایی	باور به ضرورت همکاری جمعی، تصمیم‌گیری مشترک و مشارکت نهادی در مدیریت بحران‌ها؛ دیدگاهی در مقابل یک‌جانبه‌گرایی آمریکا و برخی قدرت‌های غربی
یک‌جانبه‌گرایی غربی	اشاره به این ادعا که غرب بدون توجه به منافع سایر بازیگران، به‌ویژه روسیه، تصمیمات امنیتی را پیش می‌برد (مثل گسترش ناتو، مداخله در نظم منطقه‌ای).

منبع: تدوین نویسندگان

در مرحله دوم، کدهای اولیه بر اساس شباهت معنایی و کارکردی دسته‌بندی شدند تا محورهای اصلی معنا شکل بگیرد. این مرحله به سازمان‌دهی مفاهیم و تشخیص ارتباط میان آن‌ها کمک کرد. پنج محور اصلی شکل گرفت: الگوی رفتاری سیاست خارجی چین (ابهام راهبردی، مواضع چندلایه، بی‌طرفی راهبردی، موازنه گرایی محتاطانه)، نحوه مواجهه چین با بحران اوکراین (تلاش برای حل سیاسی بحران، راه‌حل‌های دیپلماتیک، اصل عدم مداخله)، تبیین رابطه چین و روسیه (شراکت نامحدود، روابط بی‌حدومرز، حمایت محتاطانه)، چین و نظم بین‌الملل (چندجانبه گرایی، مخالفت با منطق جنگ سرد، نقد یک‌جانبه‌گرایی غرب)، تلاش برای ثبات محیط بین‌المللی (حفظ امنیت بین‌المللی، مدیریت رقابت‌ها، جلوگیری از تشدید درگیری‌ها).

فهرست ۲. راهکارهای اتخاذ شده در سیاست خارجی چین در خصوص جنگ اوکراین

کدهای محوری (اصلی)	کدهای باز (اولیه)
الگوی رفتاری سیاست خارجی چین	سیاستی مبتنی بر ابهام
	یک‌جانبه‌گرایی غربی
	مواضعی حساب‌شده و چندلایه
پیوند راهبردی با روسیه	شراکت نامحدود
	روابط دوجانبه بی‌حدومرز
تهدیدات ادراک‌شده	نگرانی‌های مشروع طرف روسیه
	عملیات نظامی ویژه
	عواملان اصلی
	ثبات محیط بین‌المللی
سازوکارهای مشروعیت‌بخشی و چندجانبه‌گرایی	راه‌حل‌های سیاسی و دیپلماتیک
	حل سیاسی بحران اوکراین
	چارچوب‌های چندجانبه و قوانین بین‌المللی
	اصل عدم مداخله و مخالفت با منطق جنگ سرد
	مفهوم چندجانبه‌گرایی
منافع اقتصادی	روابط اقتصادی با روسیه
	روابط اقتصادی با اوکراین
	روابط اقتصادی با کشورهای غربی

منبع: تدوین نویسندگان

در مرحله پایانی، محورهای فوق تجميع و تبدیل به مضامین اصلی پژوهش شدند؛ مضامینی که ساختار تحلیلی متن مقاله بر اساس آن‌ها شکل می‌گیرد. مضامین نهایی عبارت‌اند از: ابهام راهبردی و بی‌طرفی حساب‌شده چین در بحران اوکراین، موازنه‌گرایی محتاطانه چین در برابر

غرب و روسیه، اتکای چین به راه‌حل‌های سیاسی، دیپلماتیک و چندجانبه‌گرایانه، تنظیم شراکت نامحدود با روسیه در قالب روابط چندلایه، تلاش چین برای حفظ ثبات محیط بین‌المللی و جلوگیری از تشدید بحران.

بر اساس واقع‌گرایی تدافعی، تحلیل مضمون پیش رو سعی دارد نشان دهد که چگونه فشارها و کنش‌های ساختاری (رفتارهای قدرت‌های بزرگ) از مسیر ادراک تهدید و مدیریت هزینه، دولت‌ها را به اتخاذ الگوهایی مانند ابهام راهبردی و موازنه‌گرایی محتاطانه سوق می‌دهد. کدها و مضامین استخراج‌شده، ابزاری برای آزمون تطبیقی این ادعا در رویکرد و سیاست رسمی چین هستند.

۱. الگوی رفتاری سیاست خارجی چین

مواضع سیاسی چند لایه. از زمان نقطه عطف تاریخی جنگ‌های تریاک در میانه قرن نوزدهم، چین نظم بین‌المللی را هژمونیک و تحت سلطه قدرت‌های غربی دیده است؛ نظامی که آن را ناعادلانه و نیازمند اصلاح می‌داند. با رشد اقتصادی، سیاسی و نظامی چین، این کشور وسوسه شده است که نه تنها قدرت خود را در منطقه پیرامونی‌اش اعمال کند، بلکه نفوذ جهانی خود را نیز از طریق یک دستور کار اصلاح‌گرایانه که بازتاب‌دهنده ارزش‌ها و اولویت‌های خود و در خدمت منافعش است، گسترش دهد (Sautede et al., 2025: 67). پس از استقلال اوکراین، درگیری قدرت میان الیگارش‌ها، سیاستمداران غرب‌گرا و طرفداران روسیه بر سر کنترل نظام سیاسی جدید شکل گرفت. میراث شوروی، علاوه بر تأثیر سیاسی، نوعی پیوند نهادی و اقتصادی میان اوکراین و چین ایجاد کرد. اوکراین که در دوران شوروی قطب کشاورزی، متالورژی و انرژی بود، زیرساخت‌هایی گسترده از زمین‌های حاصل‌خیز تا بنادر دریای سیاه داشت و همین توانایی تولید و صادرات، پایه‌ای برای روابط اقتصادی با چین شد. پس از رکود شدید دهه ۹۰، اقتصاد اوکراین در اوایل دهه ۲۰۰۰ بهبود یافت و مسیر بین‌المللی شدن و گسترش تجارت با دیگر کشورها را در پیش گرفت (Alden et al., 2025: 5).

تغییرات در روابط روسیه و اوکراین در نتیجه درگیری میان این دو کشور، تأثیرات جانبی خاصی نیز بر چین خواهد داشت. ایالات متحده، چین را به‌عنوان مهم‌ترین رقیب استراتژیک خود می‌بیند و آنتونی بلینکن در ۲۶ مه ۲۰۲۲ اظهار داشت که چالش چین برای نظم بین‌المللی، جدی‌ترین چالش بلندمدت محسوب می‌شود. وزیر امور خارجه چین، وانگ یی، اشاره کرد که دیدگاه آمریکا نسبت به جهان، چین و روابط چین و آمریکا دچار انحرافات جدی شده است. منطقه آسیا-اقیانوسیه قرار است دوباره به مرکز سیاست بین‌الملل بازگردد؛ و این امر باعث

گسترش درگیری به شرق می‌شود. کشورهای عضو ناتو بر این باورند که تعمیق شراکت راهبردی میان چین و روسیه و تلاش برای تضعیف نظم بین‌المللی مبتنی بر منافع ناتو، آمریکا را بر آن داشته تا اجرای راهبرد «ناتوی آسیا-اقیانوسیه» را پیش ببرد. ایالات متحده همچنان در حال تقویت ساختار امنیتی خود در منطقه آسیا-اقیانوسیه است و می‌کوشد با بهره‌گیری از بحران روسیه و اوکراین، روند جهانی‌سازی ناتو را تسریع کند (Menglong & Qiuxuan, 2024: 57).

درک نقش چین در جنگ روسیه و اوکراین و احتمال مشارکتش در حل و فصل این درگیری باید با نگاهی گسترده‌تر به محرک‌های راهبردی سیاست خارجی و امنیتی چین از فوریه ۲۰۲۲ انجام شود؛ دوره‌ای که با آغاز سومین دوره رهبری شی جین‌پینگ بر حزب کمونیست چین هم‌زمان است. این مقطع، نقطه عطفی در سیاست خارجی و امنیت اقتصادی چین و روابطش با آمریکا و جنوب جهانی به شمار می‌آید. در چشم‌انداز کلی تا سال ۲۰۲۵، پکن به چند نتیجه کلیدی رسیده است: چین از سوی آمریکا در حوزه‌های اقتصادی و امنیتی تحت فشار قرار دارد؛ مسیر کلی استراتژیک کشور درست است اما اجرای برنامه‌های شی جین‌پینگ نیاز به بهبود دارد؛ جنگ‌های اوکراین و غزه و بازگشت ترامپ فضای جهانی را پرریسک‌تر کرده‌اند؛ در نتیجه، چین باید نفوذ و توان اثرگذاری خود را در امور جهانی افزایش دهد و روابط با روسیه را به‌عنوان تکیه‌گاه راهبردی در برابر وخامت روابط با آمریکا تقویت کند (Alden et al., 2025: 9).

تلاش‌های ترامپ برای فاصله دادن روسیه از چین ممکن است دینامیک جدیدی در روابط بین‌الملل ایجاد کند، اما شراکت چین و روسیه را تغییر نمی‌دهد. وابستگی فزاینده روسیه به چین، به‌ویژه در جریان جنگ اوکراین، مانع گرایش مسکو به سوی آمریکا می‌شود. سیاست‌های ترامپ به پوتین اهرم دیپلماتیک بیشتری می‌دهد و مسکو از این موقعیت برای به دست آوردن گزینه‌های بیشتر بدون به خطر انداختن روابط با چین بهره می‌برد. درحالی‌که آمریکا می‌کوشد چین و روسیه را در مقابل هم قرار دهد، تمرکز پوتین همچنان بر تحقق جاه‌طلبی‌های امپراتوری روسیه و تعمیق روابط عملی با چین است (Urbansky & wagner, 2025: 12).

چین دارای یک مرز طولانی با روسیه است و این کشور همچنان نقش امنیتی مهمی در آسیای مرکزی ایفا می‌کند که پیامدهای قابل توجهی برای ثبات مرزهای غربی چین دارد. پکن نمی‌تواند به‌طور آشکار از روسیه حمایت کند، زیرا این کار شهرت چین به‌عنوان حامی حاکمیت را تضعیف کرده و خطر تحریم‌های ثانویه از سوی ایالات متحده را به همراه دارد. هم‌زمان، پکن نمی‌تواند بر مسکو فشار آورد و شراکت راهبردی خود را تضعیف کند. چین برای تأمین امنیت

آسیای مرکزی به قدرت روسیه متکی است؛ منطقه‌ای که در آن سرمایه‌گذاری‌های سنگینی کرده و آن را برای ثبات داخل کشور حیاتی می‌داند (Garcia, 2022: 29).

به‌سختی می‌توان رابطه‌ای دوجانبه در جهان یافت که در طول سال‌ها چنین تغییرات چشمگیری را تجربه کرده باشد. در طول قرن گذشته، چین روسیه را گاه به‌عنوان یک قدرت امپریالیستی، گاه هم‌رزمی در میدان نبرد، گاه دشمن و گاه شریک دیده است و اکنون در حال بررسی این موضوع است که آیا باید متحد او باشد یا خیر. چین بیش از هر چیز رویکرد خود نسبت به روسیه را بر اساس نیازها و جایگاه قدرتش در نظام بین‌الملل شکل داده است، همواره میان خطرات و منافع ناشی از رویکرد نظام‌محور یا تجدیدنظرطلبانه‌اش تعادل برقرار کرده و آن‌ها را بر اساس احتمال دستیابی به بیشترین سود با یکدیگر ترکیب کرده است (Rothschein, 2024: 12).

سیاست مبتنی بر ابهام. الحاق کریمه توسط روسیه در سال ۲۰۱۴ فرصت ویژه‌ای برای چین فراهم کرد. تحریم‌های غربی که در پی این اقدام وضع شد، روسیه را با گزینه‌های کمی روبه‌رو ساخت و درنهایت مجبور شد به چین برای سرمایه‌گذاری متوسل شود. در نتیجه، سرمایه‌گذاری‌های چین در بخش‌های اقتصادی حیاتی روسیه که پیش‌تر به دلیل موانع غیررسمی مسکو متوقف شده بودند، مورد تأیید قرار گرفت. در نتیجه پروژه خط لوله «قدرت سبیری» از این تأخیر بهره برد، زیرا بحران به چین امکان داد قیمت خرید گاز را پایین‌تر مذاکره کند. تحریم‌ها همچنین مشارکت چین در پروژه‌های گاز طبیعی مایع یامال در شمال روسیه را تسهیل کردند و سهم چین در پروژه یامال به ۳۰ درصد افزایش یافت (Garcia, 2022: 31).

بحران اوکراین در سال ۲۰۱۴ نه‌تنها دینامیک روابط روسیه با غرب را تغییر داد، بلکه همکاری مسکو و پکن را نیز عمیق‌تر کرد. پس از اعمال تحریم‌های غرب علیه روسیه، مسکو به‌طور قابل توجهی به‌سوی چین گرایش پیدا کرد و این امر به توافق‌های مختلفی منجر شد، از جمله قرارداد صادرات گاز به ارزش ۴۰۰ میلیارد دلار به چین. روسیه برای کاهش آثار منفی تحریم‌های غرب، جهت‌گیری اقتصادی خود را به آسیا تغییر داد. برای چین، بحران اوکراین فرصت منحصربه‌فردی فراهم کرد تا به منابع طبیعی روسیه، به‌ویژه گاز طبیعی، دسترسی پیدا کند و هم‌زمان قراردادهایی در پروژه‌های زیرساختی منعقد کرده و بازارهای جدیدی برای همکاری‌های چینی ایجاد نماید (Samoudi, 2025: 151).

زمانی که همه‌پرسی استقلال کریمه از اوکراین در ۱۶ مارس ۲۰۱۴ برگزار شد، چین در رأی‌گیری‌های سازمان ملل، هم پیش از آن و هم پس از آن خودداری کرد. رأی‌گیری پیشین در شورای امنیت مربوط به قطعنامه‌ای بود که همه‌پرسی را نامعتبر اعلام می‌کرد، در حالی که

رأی‌گیری بعدی در مجمع عمومی بر قطعنامه‌ای متمرکز بود که از اعضا می‌خواست هیچ تغییری در وضعیت بین‌المللی کریمه را به رسمیت نشناسند. اصطلاح «بی‌طرفی» به کار نرفته بود، اما چندین سخنگوی چینی به عدم حمایت چین از هیچ‌یک از طرف‌ها در مذاکرات سازمان ملل اشاره کردند (Krajczar, 2023: 313). درواقع وقتی چینی‌ها به اطراف خود نگاه می‌کنند، یک محیط بین‌المللی نسبتاً خصمانه می‌بینند که در آن روسیه تنها قدرت بزرگی است که در کنار چین ایستاده و در برابر ایالات متحده قرار دارد (Turcsanyi et al., 2022: 8).

۲. پیوند راهبردی چین و روسیه

اشتراک دیدگاه روسیه و چین درباره نظام بین‌الملل و مخالفت با نظم لیبرال غرب، مواضع سیاسی آن‌ها را در سال‌های اخیر به یکدیگر نزدیک کرده است. مواجهه مشترک با چالش‌هایی نظیر مداخلات خارجی، حضور نظامی-امنیتی غرب در مناطق استراتژیک، جنگ تجاری علیه چین و تحریم‌های گسترده علیه روسیه، همکاری راهبردی میان مسکو و پکن را بیش از پیش تقویت کرده است (سمیعی اصفهانی و فرحمند، ۱۴۰۱: ۹۴).

می‌توان گفت که افزایش اهمیت و قدرت چین در سال‌های اخیر، اعتمادبه‌نفس لازم را برای پوتین فراهم کرد تا دست به تهاجمی بزرگ در اوکراین بزند و مستقیماً معماری امنیتی اروپا را با جنگی تجدیدنظرطلبانه به چالش بکشد. اگر این فرض درست باشد، نزدیکی اخیر میان چین و روسیه از اهمیت بالایی برخوردار است، زیرا حمایت پکن به احتمال زیاد یکی از منابع اصلی اعتماد روسیه پیش از جنگ بوده است. اعتمادی که می‌تواند از عوامل تعیین‌کننده در محاسبات پوتین باشد و مبتنی بر این موضوع است که آیا در آینده برای رسیدن به اهدافش به جنگ ویرانگر دیگری متوسل شود یا به دنبال راه‌هایی غیرمستقیم‌تر و کمتر خشونت‌آمیز برود (Rotschein, 2024: 20).

اصطلاح چین درباره «شراکت نامحدود» با روسیه، پایه واکنش اولیه آن به جنگ اوکراین را تشکیل می‌دهد و نشان‌دهنده هم‌راستایی راهبردی است که روایت امنیتی روسیه را تقویت می‌کند. این اعلامیه که چند هفته قبل از تهاجم روسیه در فوریه ۲۰۲۲ منتشر شد، روابط دوجانبه را «بی‌حدومرز» معرفی کرد. در ماه‌های پس از تهاجم، این عبارت به‌طور مداوم توسط مقامات چینی تکرار شد؛ نه به عنوان یک اتحاد نظامی آشکار، بلکه به عنوان ابزاری گفتمانی برای مشروعیت‌بخشی به اقدامات روسیه در چارچوب راهبردی گسترده‌تر مطرح شد. چین تعامل خود با روسیه را مطابق با اصل عدم مداخله در امور سایر کشورها نشان داد. گفتمان رسمی چین بر

عدم مداخله تمرکز داشت و این موضع را در تضاد با آنچه سیاست‌های بلوک غربی معرفی می‌کند، قرار داد. به این ترتیب، چین موضعی رویکردی اتخاذ کرد که بازتاب توجیه روسیه برای جنگ، به‌ویژه انتقاد از گسترش ناتو، است (Aitzhanova et al., 2025: 7).

در روز تهاجم روسیه به اوکراین در سال ۲۰۲۲، چین اذعان داشت که «نگرانی‌های مشروع طرف روسیه درباره مسائل امنیتی» را درک می‌کند. از آن زمان، وزارت خارجه چین از استفاده از واژه‌هایی مانند «تهاجم» یا «جنگ» برای توصیف اقدامات روسیه خودداری کرده و به جای آن از عبارت «عملیات نظامی ویژه» یا اصطلاحاتی مانند «بحران اوکراین» یا «درگیری روسیه و اوکراین» استفاده می‌کند. رسانه‌های تحت کنترل حزب و دولت چین نیز از به کار بردن واژه‌هایی مانند «تهاجم» یا «جنگ» در گزارش‌های خود اجتناب کرده‌اند (Andersson et al., 2023: 5).

پیام‌رسانی رسمی چین و اطلاعاتی که درباره مناقشه اوکراین منتشر کرده، به شدت طرفدار روسیه بوده و با خطوط تبلیغاتی روسیه همسو است. این همسویی فقط در حد حرف نیست، چون عملیات اطلاعاتی بخش مهمی از روند شکل‌گیری این درگیری را تشکیل می‌دهد. شاید ثابت‌ترین مضمون در رویکرد چین این باشد که تقصیر اصلی آغاز مناقشه بر عهده آمریکا و ناتو است، زیرا گسترش بیش از حد ناتو در اروپای شرقی باعث نظامی شدن منطقه شد و «عملیات ویژه نظامی» روسیه را رقم زد (Greitens, 2022: 755).

تهدیدات سیاست خارجی چین و روسیه. در ۲۴ فوریه ۲۰۲۲، روسیه «عملیات نظامی ویژه‌ای» علیه اوکراین انجام داد. برخی پژوهشگران اشاره می‌کنند که چین، به عنوان یکی از بزرگ‌ترین اقتصادهای بازار جهانی و با مسیرها و راه‌های دریایی مهم در نزدیکی خود، در صورت وقوع هرگونه درگیری یا دخیل شدن منطقه، متحمل خسارت‌ها و پیامدهای گسترده‌ای خواهد شد. اقدامات روسیه در اوکراین تلاشی برای تغییر یا برهم زدن چارچوب بین‌المللی تحت سلطه ایالات متحده است و نشان‌دهنده نارضایتی روسیه از نظام بین‌المللی کنونی و تمایل آن برای شکل‌دهی به نظم بین‌المللی مطلوب‌تر برای منافع خود است. در همین حال، نظم بین‌المللی فعلی به رهبری ایالات متحده، به‌طور فزاینده‌ای توسط قدرت‌های تجدیدنظرطلب و نوظهور، از جمله چین، تهدید می‌شود (Cho, 2024: 11).

چین از آغاز بحران اوکراین با روسیه همسو شده و در مورد گسترش ناتو موضع گرفته و حتی وجود آن را به چالش کشیده است. ناتو چین را به عنوان یک رقیب سیستماتیک شناسایی کرده و این نگرانی‌ها با موضع آمریکا در مورد روسیه و چین همسوست. چین نگران اقدامات ناتو، از جمله مداخلات بر اساس مسائل قومی و مذهبی، سرمایه‌گذاری‌های زیرساختی و ابتکاراتی

مانند «کمر بند و جاده» و همکاری با کشورهای اروپای مرکزی و شرقی است که چالش‌هایی برای وحدت اروپا ایجاد می‌کند (Kondapalli, 2023: 91).

مقام‌های چینی بارها تأکید کرده‌اند که ناتو بعد از جنگ سرد باید منحل می‌شد و گسترش شرقی آن نقض وعده‌های غرب در دهه ۱۹۹۰ بوده است. سخنگوی وزارت خارجه چین نیز آمریکا و ناتو را «عاملان اصلی» بحران معرفی کرده و می‌گوید پنج مرحله گسترش ناتو از ۱۹۹۹ تا امروز، سازمان را هزار کیلومتر به مرزهای روسیه نزدیک‌تر کرده و مسکو را به نقطه «بی راه فرار» رسانده است (Trush, 2022: 597). طبق رویکرد واقع‌گرایی تدافعی، گسترش ناتو برای روسیه نه یک طرح تهاجمی، بلکه یک تهدید امنیتی ادراک‌شده تلقی می‌شود که واکنش تدافعی مسکو را برمی‌انگیزد.

اهمیت روابط گسترده و عمیق با روسیه، بی‌طرفی چین را به‌طور آشکار تحت تأثیر قرار داده است. از دید چین، روسیه قطب بالقوه‌ای در جهان چندقطبی است و در مقابل خصومت آمریکا عمل می‌کند، بنابراین اهمیت اوکراین و گرجستان برای پکن کمتر است. این موضع در چارچوب ابتکار امنیت جهانی شی جین‌پینگ و اصول پنج‌گانه همزیستی مسالمت‌آمیز و امنیت غیرقابل تقسیم تفسیر می‌شود. چین ناتو و آمریکا را مسئول فشار و نظامی‌سازی اروپای شرقی و سودجویی مالی از جنگ می‌داند که موجب عناصر طرفدار روسیه در گفتمان چینی شده است (Krajczar, 2023: 319).

استراتژیست‌های چینی روسیه، ایالات متحده و اروپا را به‌عنوان مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده توازن قدرت جهانی می‌بینند. آن‌ها مدتی طولانی رؤیای اروپا درباره یک جهان چندقطبی را با اهداف خود همسو دانسته‌اند. از این‌رو، با تثبیت شکاف میان روسیه و اروپا، تهاجم روسیه به اوکراین می‌تواند خطر تقسیم مهم‌ترین قدرت‌ها به دو بلوک روسیه و چین در یک‌طرف و ایالات متحده و اروپا در طرف دیگر را ایجاد کند و ترتیبات امنیتی جنگ سرد را که چین ادعا می‌کند شدیداً مخالف آن است، دوباره بازسازی کند. وخیم‌تر آنکه، چین در چنین وضعیتی با ضعیف‌ترین قدرت از میان سه قدرت دیگر هم‌سو خواهد شد (Blanchette & Lin, 2022: 2).

چند روز پس از تهاجم روسیه به اوکراین مقایسه‌هایی میان اقدامات چین برای بازپس‌گیری تایوان و اقدامات تهاجمی روسیه، مطرح شد. درواقع، شباهت‌های میان این دو سناریو چشمگیر است: هر دو شامل قدرتی اقتدارگرا با توان نظامی پیشرفته هستند که می‌کوشد یک دموکراسی همسایه را که از حمایت ایالات متحده برخوردار است، سرکوب کند. جو بایدن، به‌صراحت بیان کرد که چین با دقت در حال مشاهده رویدادهای اوکراین است تا از آن برای برنامه‌های احتمالی

آینده خود برای حمله به تایوان درس بگیرد. بایدن به‌صراحت گفت: «خودکامگان جهان با دقت می‌نگرند تا ببینند در اوکراین چه رخ می‌دهد تا ببینند آیا ما اجازه می‌دهیم این تجاوز غیرقانونی بی‌پاسخ بماند. ما نباید بگذاریم چنین شود» بنابراین قدرت جمعی غرب در حمایت از اوکراین امروز، می‌تواند بازدارندگی لازم برای تایوانِ فردا را فراهم کند (Bērziņa-Čerenkova, 2025: 220). چین به‌طور رسمی تهاجم روسیه به اوکراین را تأیید نمی‌کند و درعین حال آن را به‌طور صریح محکوم هم نمی‌نماید. رسانه‌های چین بر بی‌طرفی این کشور در مناقشه تأکید می‌کنند و اهمیت پایبندی به اصول بنیادین حقوق بین‌الملل، مانند حاکمیت و تمامیت ارضی همه کشورها را برجسته می‌سازند. این موضع با منافع چین همسو است، به‌ویژه در زمینه تایوان و سیاست «چین واحد» که توسط جامعه بین‌المللی، از جمله ایالات متحده، اتحادیه اروپا و هند به رسمیت شناخته شده است (Bonikowska, 2025: 5).

حمایت بین‌المللی از اوکراین می‌تواند برای رهبری چین نگران‌کننده باشد. از دیدگاه چینی، حمایت آمریکا از اوکراین و گسترش ناتو مشابه تلاش‌های آمریکا در آسیا است و کارشناسان چینی ناتوانی غرب در همدلی با نگرانی‌های امنیتی روسیه که مشابه نگرانی‌های چین است را نشان‌دهنده این می‌دانند که ایالات متحده نمی‌تواند و هرگز نخواهد توانست نگرانی‌های امنیتی چین را در نظر بگیرد. چین همچنین ممکن است احساس کند که غرب در تلاش است آن را از روسیه جدا کند، امری که از دیدگاه چین می‌تواند به سناریوی فاجعه‌آمیزی منجر شود که شامل مواجهه هم‌زمان با روسیه و ایالات متحده باشد (Feryna & Kutej, 2023: 26).

یکی از دغدغه‌های چین، انتقاد از روایت‌های غربی است، به‌ویژه آن‌هایی که جهان را به‌صورت دوگانه دموکراسی‌ها و خودکامه‌ها تصویر می‌کنند. چین معتقد است این چارچوب دوگانه ساختگی است و توسط ایالات متحده ترویج می‌شود. رسانه‌های چینی غرب، به‌ویژه ایالات متحده را متهم می‌کنند که افکار عمومی را دستکاری کرده و روایت بین‌المللی درباره مناقشه را به انحصار خود درآورده‌اند. از دیدگاه چین، آمریکا عمداً روسیه را به‌عنوان بازیگری شرور و چین را به‌عنوان همدست تصویر می‌کند تا تفرقه جهانی را عمیق‌تر ساخته و فضای رویارویی را تشدید کند (Bonikowska, 2025: 5). درواقع چین نه بی‌طرف است و نه موضعی میانه اتخاذ کرده است؛ بلکه از موضع میانه خارج شده و به اردوگاه روسیه نزدیک شده و از آن به‌طور لفظی حمایت می‌کند. درعین حال، چین تفسیر می‌کند که «عملیات ویژه» روسیه مربوط به تجاوز به اوکراین یا تضعیف حاکمیت آن نیست، بلکه مقابله با هامونی آمریکا است (Berzina-cerenkova, 2022: 284).

۳. سازوکارهای مشروعیت بخشی و چندجانبه گرایی

پیش از تهاجم روسیه، دیدگاه رسمی وزارت خارجه چین درباره «راه‌حل‌های سیاسی و دیپلماتیک» عمدتاً مبتنی بر توافق مینسک-۲ بود که از ۲۰۱۵ اجرا شده و بیشتر به نفع مسکو تعبیر می‌شد، زیرا بر آتش‌بس اولویت می‌داد و به حاکمیت اوکراین توجه کمتری داشت. بعد از آغاز حمله تمام‌عیار روسیه در ۲۴ فوریه ۲۰۲۲، چین دیگر به مینسک-۲ اشاره نکرد و منشور سازمان ملل را به‌عنوان مرجع اصلی پاسخ هماهنگ خود به بحران قرار داد. چین در فوریه ۲۰۲۳ پیشنهادی ۱۲ بندی درباره «حل سیاسی بحران اوکراین» منتشر کرد. این سند بیشتر به‌عنوان فهرستی مبهم و غیرمتعهد از مواضع کلی چین درباره جنگ تلقی شد و در مسکو بهتر از کیف، واشنگتن یا بروکسل مورد استقبال قرار گرفت (Duben, 2023: 6).

موضع چین درباره جنگ اوکراین نشان می‌دهد که پکن با وجود طرح صلح آزمایشی و کلی، نقش کلیدی در ایفای نقش میانجی تأثیرگذار نداشته است. از یک‌سو، چین از نظر توانمندی‌های نظامی و همچنین دیدگاه ایدئولوژیک آماده رهبری نیست. در کوتاه‌مدت، چین قرار نیست همانند آمریکا که دهه‌ها به‌عنوان داور بین‌المللی اختلافات میان کشورها عمل کرده، نقش داور بین‌المللی را ایفا کند (Leoni & Strina, 2024: 75). در محیط‌های چندجانبه و نهادهای بین‌المللی، اقدامات دیپلماتیک چین گرایش روشنی به‌سوی مسکو داشته است. جمهوری خلق چین در رأی‌گیری ۲۵ فوریه مجمع عمومی سازمان ملل برای محکومیت حمله روسیه، رأی ممتنع داد؛ اقدامی که در عمل به معنای تکیه بر وتوی روسیه بود. چین تنها زمانی با این تصمیم موافقت کرد که اشاره‌ها به فصل هفتم منشور ملل متحد حذف شد؛ فصلی که به تهدید علیه صلح بین‌المللی مربوط است و معمولاً اقدامات اجرایی مانند عملیات حافظ صلح تحت آن مجاز می‌شود. به همین ترتیب، رأی پکن در رأی‌گیری ۲۷ فوریه درباره تشکیل جلسه اضطراری مجمع عمومی نیز ممتنع بود، جلسه‌ای که در نهایت تصویب شد (Greitens, 2022: 759).

اتحادیه اروپا و متحدانش، به‌ویژه ایالات متحده، از چین خواسته‌اند جنگ تجاوزکارانه روسیه علیه اوکراین را محکوم کرده، با غرب هم‌راستا شود و به روسیه برای دور زدن تحریم‌ها کمک نکند، زیرا هرگونه حمایت چین از روسیه می‌تواند پیامدهای منفی اقتصادی و سیاسی جدی برای آن کشور داشته باشد. رهبران اتحادیه اروپا و شرکای غربی با تأکید بر نقش حیاتی چین در فرایند صلح و نفوذ بر روسیه، چارچوب نهادی و انتظارات مشخصی را شکل داده‌اند که حزب-دولت چین در تعامل با بحران اوکراین عمل می‌کند و بر تصمیمات دیپلماتیک و راهبردی پکن تأثیرگذار است (Gundogan, 2023: 331). چین در رأی‌گیری‌های مرتبط با اوکراین در چندین

نهاد زیرمجموعه وابسته به سازمان ملل، از جمله شورای حقوق بشر و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، هم‌راستا با روسیه رأی داد و گاهی تنها کشوری بود که این کار را انجام داد. این الگو در تصمیمات مرتبط با اوکراین در گروه ۲۰، در حکم کلیدی دیوان بین‌المللی دادگستری و تقریباً در تمام رأی‌گیری‌های بزرگ بعدی نهادهای سازمان ملل تکرار شد (Duben, 2023: 5).

در دوم مارس، مجمع عمومی سازمان ملل قطعنامه‌ای را تصویب کرد که از روسیه خواست «فوراً، به‌طور کامل و بدون قید و شرط، تمام نیروهای نظامی خود را از قلمرو اوکراین خارج کند». چین بار دیگر در این رأی‌گیری ممتنع بود. در سوم مارس ۲۰۲۲، شورای حقوق بشر سازمان ملل نیز روسیه را به‌دلیل تجاوز به اوکراین محکوم کرد و خواستار خروج فوری نیروهای روس شد؛ چین در این رأی‌گیری نیز امتناع از رأی کرد. در جلسه‌ای که در ۱۶ مارس ۲۰۲۲ در دیوان بین‌المللی دادگستری درباره شکایت اوکراین از روسیه به اتهام نسل‌کشی برگزار شد، اکثریت قضات به توقف عملیات نظامی روسیه رأی دادند، اما قضات چینی و روسی با این تصمیم مخالفت کردند. افزون بر این، در ۷ آوریل ۲۰۲۲، چین به قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل که روسیه را از عضویت در شورای حقوق بشر تعلیق می‌کرد، رأی منفی داد (Samoudi, 2025: 154). همچنین در نشست بریکس در اواخر ژوئن، شی جین‌پینگ با اشاره به مسئله اوکراین، از «تقابل بلوکی»، «تحریم‌های یک‌جانبه» و «هژمونی‌گرایی» انتقاد کرد؛ تعبیری که همگی ناظر بر نقد رویکردهای امنیتی آمریکا و غرب در محیط‌های منطقه‌ای اروپا و آسیا و نیز در سطح جهانی هستند (Greitens, 2022: 758).

تأثیر گسترده روسیه بر چین در پوشش رسانه‌ای رسمی بحران اوکراین نیز مشهود است، به‌طوری که رسانه‌های چینی جنگ را «عملیات نظامی ویژه» می‌نامند و دیدگاه‌های ضد روسیه کمتر بازتاب داده می‌شود. پکن از سال ۲۰۰۱ سیاست مخالفت سیاسی با آمریکا را همراه با روسیه اتخاذ کرده است. این اتحاد ریشه در اواخر دهه ۱۹۹۰ و مفهوم «چندقطبی‌گرایی» دارد که نخست‌وزیر روسیه، پریماکوف، پیشنهاد داد و چین آن را پذیرفت. هر دو کشور در مخالفت با گسترش ناتو، انتقاد از «انقلاب‌های رنگی»، محکومیت حملات پیش‌دستانه آمریکا و عملیات نظامی در عراق و افغانستان همسو هستند و از مفهوم «حاکمیت قانون» فاصله گرفته و به‌جای آن «حکمرانی جهانی» را ترویج می‌کنند (Kondapalli, 2023: 90). به‌جای استفاده از واژگان «جنگ» یا «تهاجم روسیه»، مقامات حزب-دولت چین غالباً از اصطلاحاتی نرم مانند «مسئله»، «بحران» یا «درگیری» استفاده می‌کنند که قرار است «بی‌طرفی» و «عینیت» آن‌ها را منعکس کند. علاوه بر این، بیانیه‌های رسمی مقامات سیاسی چین دیگر به‌طور صریح به «حاکمیت ملی»

و تمامیت ارضی اوکراین اشاره نمی‌کند و تنها به «حاکمیت و تمامیت ارضی همه کشورها» بسنده می‌کنند که مشخص نیست منظور اوکراین است یا روسیه (Gundogan, 2023: 335).

پس از آغاز جنگ روسیه و اوکراین، دو رویکرد اصلی نسبت به چین در میان مقامات آمریکایی شکل گرفته است: یک گروه معتقد است چین با روسیه ائتلاف کرده و از اقدامات روسیه پشتیبانی پنهانی می‌کند تا تحریم‌ها و فشارها بر هر دو کشور اعمال شود و برخی مقامات دولت بایدن ادعا می‌کنند که «چین از قبل از تحولات مناقشه مطلع بوده و به روسیه کمک نظامی و فناوری ارائه کرده است»، در حالی که گروه دیگر تلاش دارد با چین تعامل کند تا آن را از روسیه دور کرده و شراکت نزدیکی حفظ نشود. برخی تحلیل‌ها نشان می‌دهند که چین به روسیه برای تقویت جایگاه راهبردی خود نیاز دارد، اما روابط راهبردی دو کشور محدودیت‌هایی دارد و منافع اقتصادی چین در تعامل با غرب از همکاری با روسیه بیشتر است (Choi, 2024: 11).

چین، جنگ روسیه علیه اوکراین را ابزاری برای مقابله با نظم جهانی تحت سلطه غرب و تحقق جاه‌طلبی‌های ژئوپلیتیکی خود می‌داند. از نگاه پکن، ادامه جنگ باعث تضعیف تمرکز اروپا بر منطقه هند-پاسیفیک می‌شود. چین بر این باور است که جنگ طولانی‌مدت به نفع روسیه است و شکست مسکو می‌تواند بی‌ثباتی داخلی و لطمه به منافع جهانی پکن را به دنبال داشته باشد. با وجود حمایت ضمنی از روسیه، رهبران چین از خطرات احتمالی جنگ طولانی، از جمله تشدید تنش‌های هسته‌ای، درگیری مستقیم روسیه و ناتو، آسیب به روابط با اروپا و اختلال در زنجیره تأمین جهانی، نگران‌اند (Sabanadze et al., 2024: 6).

چین مجموعه‌ای از منافع پایدار در قبال طرف‌های درگیر و همچنین در زمینه‌های منطقه‌ای و جهانی دارد. این منافع شامل ملاحظات واقع‌گرایانه است که بر روابط دیپلماتیک چین، جایگاه آن و ساختار هنجاری حاکمیت امنیت جهانی در آینده تأثیر می‌گذارد. از دید پکن، بسیار مهم است که تهاجم روسیه به یک کشور مستقل با سیاست‌های ارضی چین، به‌ویژه مسئله تایوان، یکسان تلقی نشود. گفت‌وگوها با اندیشکده‌های نزدیک به دولت چین نشان می‌دهد که پکن نگران است تحلیلگران غربی میان اوکراین و تایوان ارتباط برقرار کنند. چین دریافته که این جنگ و پیامدهای آن می‌تواند نقطه عطفی در تحول نظام امنیت جهانی باشد و بر درک کشورها از مشروعیت استفاده از زور، نحوه حل‌وفصل مناقشات ارضی و نقش چارچوب‌های چندجانبه و قوانین بین‌المللی در این فرآیندها تأثیر بگذارد (Alden et al., 2025: 10).

۴. اهمیت منافع اقتصادی در سیاست خارجی چین

از فوریه ۲۰۲۲، حجم تجارت میان چین و روسیه به طور چشمگیری افزایش یافته و چین را به خط حیاتی اقتصادی روسیه در میان تحریم‌های غرب تبدیل کرده است. در سطح رسمی، چین خواستار گفت‌وگو و مذاکره شده و بر ضرورت حل‌وفصل مسالمت‌آمیز و احترام به حاکمیت و تمامیت ارضی همه کشورها تأکید کرده است. با وجود این، پرهیز چین از ارسال سلاح یا مهمات به روسیه نشان می‌دهد که این کشور تمایل دارد از درگیر شدن در جنگی که می‌تواند جایگاه جهانی‌اش را تضعیف کند، اجتناب ورزد. از منظر راهبردی، چین جنگ را فرصتی برای پیشبرد منافع ژئوپلیتیکی خود می‌بیند. این مناقشه به چین اجازه داده است تا خود را به عنوان میانجی احتمالی معرفی کند و ابتکار امنیت جهانی خود را ترویج دهد (Sauteade et al., 2025: 68).

چین بر منافع انرژی خود تأکید قابل توجهی دارد. با این حال، رویکرد چین بیشتر راهبردی است و تمرکز آن بر تقویت روابط با روسیه قرار دارد. خبرگزاری شین‌هوا و روزنامه گلوبال تایمز به طور مکرر بر افزایش همکاری‌های دوجانبه، به ویژه در بخش انرژی، تأکید می‌کنند. رهبران چین بر ضرورت گسترش تجارت انرژی، سرمایه‌گذاری در منابع انرژی تجدیدپذیر و توسعه فناوری‌های مرتبط با بازارهای کربن تأکید دارند. چین همچنین به دنبال ترویج مدل‌های جایگزین همکاری انرژی است که کمتر در معرض نفوذ سیاسی غرب قرار گیرد. چین و روسیه تلاش‌های خود را در عرصه بین‌المللی برای حمایت از نظام حکمرانی جهانی انرژی «عادلانه و پایدارتر» ترکیب کرده‌اند. هر دو کشور هدف دارند پروژه‌های مشترک انرژی را توسعه دهند تا موقعیت خود را در میان تغییرات جهانی در چشم‌انداز انرژی تقویت کنند (Bonikowska, 2025: 6).

چین امیدوار است با تعامل فعال با هر دو کشور روسیه و اوکراین، جایگاه خود را به عنوان یک بازیگر مهم در منطقه تقویت کرده و تأثیر مثبتی بر ثبات منطقه‌ای داشته باشد. ابتکار کمربند و جاده، سنگ بنای اهداف اقتصادی و ژئوپلیتیکی چین است و با هدف ایجاد شبکه‌ای از زیرساخت‌ها و مسیرهای تجاری که آسیا، اروپا و آفریقا را به هم متصل می‌کند، اجرا می‌شود. منطقه بحران‌زده اهمیت ویژه‌ای برای این هدف بزرگ دارد و فرصت‌هایی برای پیشرفت و رفاه اقتصادی متقابل فراهم می‌کند. علاوه بر این، اهداف بلندمدت چین شامل گسترش حضور راهبردی در منطقه است تا نقش بیشتری در شکل‌دهی به پویایی‌های منطقه‌ای و بحث‌های ژئوپلیتیکی ایفا کند (Saaida, 2023: 4).

روابط چین با اوکراین، برخلاف روابطش با روسیه، بر پایه منافع اقتصادی و فرصت‌های تجاری شکل گرفته است. دو کشور در سال ۲۰۱۳ وارد شراکت استراتژیک شدند و پس از

اجرای توافق اوکراین با اتحادیه اروپا در ۲۰۱۷، پکن اوکراین را به عنوان پلی برای گسترش طرح «کمربند و جاده» به اروپا دید. تا اوایل دهه ۲۰۲۰، چین به بزرگ‌ترین شریک تجاری اوکراین تبدیل شد و در سال ۲۰۲۱ توافقی بی‌دولتی برای توسعه زیرساخت‌ها امضا شد. حجم تجارت دو کشور نزدیک به ۱۹ میلیارد دلار بود. اوکراین یکی از تأمین‌کنندگان اصلی محصولات کشاورزی چین به‌ویژه ذرت است. علاوه بر این، چین در پروژه‌هایی برای کاهش وابستگی اوکراین به گاز روسیه، مانند تبدیل نیروگاه‌های گازسوز به زغال‌سنگ‌سوز با فناوری چینی، مشارکت داشته است (Krajczar, 2023: 313).

یکی از تأثیرات بحران اوکراین بر روابط میان چین و روسیه مربوط به قیمت‌های جهانی انرژی است. چین به‌عنوان بزرگ‌ترین مصرف‌کننده انرژی جهان، تحت تأثیر نوسانات قیمت انرژی قرار دارد و از سال ۱۹۹۳ به واردکننده خالص انرژی تبدیل شده است. روابط راهبردی با روسیه و نزدیکی جغرافیایی به منابع انرژی روسیه باعث شده چین واردات انرژی از روسیه را افزایش دهد. به‌عنوان مثال، واردات نفت چین از روسیه در ۲۰۲۱ حدود ۸۰ میلیون تن بود و پس از آغاز بحران اوکراین به حدود ۲۰ درصد کل واردات نفت چین رسید. بسیاری از این معاملات با استفاده از ارزهای محلی، روبل و یوان انجام می‌شوند تا وابستگی به دلار آمریکا کاهش یابد (Kondapalli, 2023: 92).

از دیگر تأثیرات بحران اوکراین بر روابط دو کشور، همگرایی ژئوپلیتیکی است. برای چین، منطقه آسیا-پاسفیک حیاتی‌ترین چشم‌انداز ژئوپلیتیکی است که منافعی را در برابر رقیب اصلی، ایالات متحده، در خطر می‌بیند. در میان اختلافات مرزی با کشورهای همسایه، تایوان به مهم‌ترین نگرانی امنیت ملی چین و کانون منازعه آن با آمریکا تبدیل شده است. شباهت قابل توجهی میان نقش چین در آسیا-پاسفیک و نقش روسیه در اروپا وجود دارد. در حال حاضر، اوکراین نقطه مرکزی مواجهه روسیه با غرب، به‌ویژه ایالات متحده که رهبری ائتلاف غربی را بر عهده دارد، محسوب می‌شود. تمرکز چین و روسیه بر اولویت‌های ژئوپلیتیکی خود در آسیا و اروپا باعث شده است که این دو کشور مکمل یکدیگر باشند و در دستیابی به اهداف خود مانع هم نشوند؛ در هر دو جبهه، رقیب اصلی آن‌ها ایالات متحده است (Samoudi, 2025: 151).

تهاجم روسیه به اوکراین در سال ۲۰۲۲ روابط مسکو و پکن را وارد مرحله‌ای جدید کرد و توازن قدرت را به نفع چین تغییر داد. اگرچه پیش از جنگ نشانه‌هایی از نزدیکی دو کشور دیده می‌شد، اما جنگ موجب شد وابستگی روسیه به چین عمیق‌تر شود. چین با احتیاط از روسیه حمایت می‌کند تا از آسیب‌های اقتصادی دور بماند. هرچند دو کشور منافع مشترکی در مقابله با

نظم لیبرال جهانی دارند، اتحادشان شکننده و وابسته به سرنوشت جنگ اوکراین باقی مانده است (Urbansky & Wagner, 2025: 11).

از سال ۲۰۲۲ و پس از حملات روسیه به اوکراین، روسیه با تحریم‌های بی‌شماری از جانب ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا مواجه گردید. این مسئله سبب‌ساز ادامه مشارکت و همکاری‌های میان روسیه و چین از طریق سازمان شانگهای شد. در واقع روسیه در حال حاضر به خاطر بحران اوکراین چاره‌ای جز تحکیم روابط با چین ندارد و این مسئله ممکن است به قیمت افزایش نفوذ پکن در منطقه برای روسیه تمام شود (حسینی، ۱۴۰۳: ۱۰۶).

چین که خواهان منابع نفت و انرژی در آسیای مرکزی و تسلط بر بازار فروش منطقه‌ای محصولات خود است، از سازمان همکاری شانگهای به‌عنوان مکانیسمی جهت تقویت قدرت اقتصادی خود و همچنین مقابله با رقبای اصلی به‌ویژه ایالات متحده آمریکا بهره می‌برد (شاه منصوری و شامیری، ۱۳۸۹: ۸۲).

در مه ۲۰۲۴، ولادیمیر پوتین به پکن سفر کرد. دیدار رهبران روسیه و چین نشان‌دهنده تداوم شراکت راهبردی این دو کشور بود. پکن با افزایش تجارت، حمایت سیاسی و ارسال تجهیزات غیرنظامی به مسکو، عملاً به تداوم جنگ روسیه در اوکراین کمک کرده و اثر تحریم‌های غرب را کاهش داده است. در مقابل، آمریکا و اتحادیه اروپا نسبت به فروش کالاهای دومانظوره چین به روسیه هشدار داده و بر لزوم محدود کردن این همکاری تأکید کرده‌اند. در نتیجه، اتحاد روسیه و چین از یک چالش قابل‌مدیریت به تهدیدی امنیتی برای غرب تبدیل شده و اروپا اکنون باید چین را نه فقط رقیب اقتصادی، بلکه تهدیدی امنیتی نیز بداند (Sabanadze et al., 2024:3).

از دید روسیه، هرچند چین به‌طور علنی از مسکو حمایت نمی‌کند، اما شریک کلیدی در مقابله با غرب محسوب می‌شود. بااین‌حال روسیه برای کاهش وابستگی به چین، روابطش را با کشورهای چون کره شمالی گسترش داده است. از منظر اوکراین، پکن به دلیل عدم محکومیت روسیه مورد انتقاد است، اما در عین حال به‌عنوان قدرتی تأثیرگذار دیده می‌شود. کی‌یف ضمن حفظ روابط تجاری گسترده با چین، نسبت به پیامدهای نزدیکی پکن و مسکو محتاط است. اتحادیه اروپا نیز ابتدا موضع دوپهلوی و عدم محکومیت چین را نوعی حمایت ضمنی از روسیه دانست، اما درنهایت برای پرهیز از رویارویی مستقیم، چین را در کنار حامیان رسمی مسکو مانند ایران و کره شمالی قرار نداد. درمجموع، این سیاست هوشمندانه به چین امکان داده است با حفظ موازنه میان شرق و غرب، منافع ملی و جایگاه جهانی خود را تقویت کند (Xo & Zhao, 2025: 1024).

چین و روسیه با هدف تضعیف وحدت غرب و تغییر موازنه قدرت جهانی، همکاری‌های خود را در زمینه‌های اقتصادی، نظامی، فناوری و اطلاعاتی گسترش داده‌اند. چین با افزایش تجارت، تأمین کالاهای دومنظوره و حمایت مالی، نقش مهمی در تداوم جنگ روسیه در اوکراین دارد و در عین حال، از طریق عملیات سایبری و تبلیغاتی مشترک با مسکو، بر افکار عمومی جهانی تأثیر می‌گذارد. همکاری نظامی دو کشور نیز با رزمایش‌های مشترک و توسعه زیرساخت‌های دفاعی در حال گسترش است. این همسویی چندبعدی، تهدیدی مستقیم برای امنیت اروپا و آمریکا محسوب می‌شود و نشان‌دهنده تلاشی هدفمند برای ایجاد نظامی چندقطبی در برابر غرب است (Sabanadze et al., 2024: 8).

حمایت اقتصادی چین احتمالاً نقش مهمی در تثبیت عملکرد نظامی روسیه ایفا کرد. بن‌بست زمستانی میان نیروهای روسیه و اوکراین که پس از ضد حملات موفق اوکراین ایجاد شد، به روسیه زمان حیاتی داد تا از مزایای حمایت چین بهره‌مند شود. در مه ۲۰۲۳، ارتش روسیه نخستین پیروزی بزرگ خود از جنگ را با تصرف باخموت به دست آورد. روسیه با استفاده از کالاهای دواکاردی وارداتی از چین توانست خطوط دفاعی خود را تقویت کند و از اثربخشی ضدحمله دوم اوکراین در تابستان ۲۰۲۳ بکاهد. این ضدحمله تنها تغییرات جزئی در خطوط مقدم مناطق اشغالی ایجاد کرد. برخی تحلیلگران بر این باورند که روسیه در سال ۲۰۲۳ توانست بخش بیشتری از تولید ناخالص داخلی خود را صرف تقویت صنایع دفاعی کند. در اوایل سال ۲۰۲۴ نیز مقامات ارشد آمریکایی اعلام کردند که حمایت چین برای صنعت دفاعی روسیه حیاتی بوده و همین امر به روسیه امکان داده تا در مه ۲۰۲۴ حمله جدیدی را در نزدیکی خارکیف آغاز کند (Wang & Zakheim, 2024: 12).

تجارت دوجانبه از سال ۲۰۲۱ افزایش یافته و در سال ۲۰۲۴ به ۲۴۵ میلیارد دلار رسیده است. جنگ برای چین فرصت‌آفرین بوده و دسترسی بیشتر به بازار روسیه، مواد خام ارزان‌تر و ارتقای جایگاه بین‌المللی ارز چین را فراهم کرده است. به این ترتیب، چین نقش کلیدی در تأمین مالی جنگ روسیه ایفا می‌کند، هرچند نمی‌تواند به‌طور کامل جایگزین ضررهای روسیه از شرکای تجاری پیشینش شود. با وجود این، شراکت چین با روسیه محدودیت‌هایی دارد؛ روابط اقتصادی چین با کشورهای گروه هفت بسیار گسترده‌تر است و تعداد کمی از شرکت‌های چینی روسیه را در اولویت قرار می‌دهند (Urbansky & Wagner, 2025: 12).

اگرچه صادرات چین به روسیه پس از جنگ به‌طور قابل‌توجهی کاهش یافت و تا آوریل ۲۰۲۲ بیش از ۲۵ درصد نسبت به سال قبل افت کرد، اما ارزش صادرات روسیه به چین جهشی

چشمگیر داشت و تا آوریل ۲۰۲۲ بیش از ۵۰ درصد افزایش یافت. تا دسامبر ۲۰۲۲، تجارت دوجانبه نسبت به سال پیش ۳۲ درصد رشد کرد و به بالاترین رقم ثبت شده رسید. رفتار پکن در قبال روابط اقتصادی با روسیه پس از حمله به اوکراین مشابه واکنشش به الحاق کریمه در سال ۲۰۱۴ بوده است؛ در ظاهر، تحریم‌های بین‌المللی را محکوم می‌کند، اما در عمل، به‌طور آرام از آن‌ها تبعیت کرده و هم‌زمان از فرصت‌های اقتصادی ناشی از محدود شدن گزینه‌های مسکو بهره‌برداری کند (Stallard & Rozman, 2023: 90).

چین نقش مهمی در تأمین فناوری‌ها و کالاهای دو منظوره برای روسیه ایفا کرده و با وجود هشدارهای آمریکا و متحدانش، تاکنون مدرکی دال بر ارائه مستقیم تسلیحات کشنده وجود ندارد، اما صادرات قطعات الکترونیکی، پهپادها و تجهیزات نظامی مرتبط به‌طور چشمگیری افزایش یافته است. مقامات چینی همواره بر حل سیاسی و دیپلماتیک بحران اوکراین تأکید کرده و از تحریم‌ها و ارسال سلاح به‌عنوان راه‌حل انتقاد کرده‌اند، درحالی‌که واشنگتن چند شرکت چینی مظنون به کمک به ارتش روسیه را تحریم کرده است (Duben, 2023: 9). با وجود حمایت اقتصادی آشکار چین از روسیه از ماه مه ۲۰۲۲ به بعد، سیاست پکن در قبال مسکو شامل ارائه کمک‌های نظامی مستقیم نمی‌شود. رهبران چین به‌خوبی می‌دانند که چنین حمایتی می‌تواند چین را به‌طور علنی با تجاوز نظامی روسیه و احتمال ارتکاب جنایات جنگی درگیر کند و در نتیجه نفوذ و منافع اقتصادی چین در ایالات متحده، اروپا و سایر کشورهای منطقه هند و اقیانوس آرام را تضعیف کند. برخلاف روسیه، چین به‌شدت در اقتصاد آمریکا و اتحادیه اروپا ادغام شده و در صورت تحریم یا قطع این روابط، متحمل خسارات سنگینی خواهد شد. علاوه بر این، چین همچنان به دنبال گسترش نفوذ سیاسی و دیپلماتیک خود در این کشورها و سایر مناطق است. در راستای این موازنه منافع، سیاست رسمی چین در قبال جنگ روسیه و اوکراین از هرگونه حمایت آشکار یا افراطی از روسیه پرهیز کرده و در عوض تلاش می‌کند خود را به‌عنوان میانجی در این مناقشه معرفی کند، هرچند در عمل پشتیبانی مادی قابل‌توجهی از ماشین جنگی روسیه دارد (Wang & Zakheim, 2024: 12).

روابط پکن با غرب با چالش‌های فزاینده‌ای مواجه است و تثبیت رابطه با اروپا و ایالات متحده برای چین حیاتی باقی‌مانده است؛ بنابراین، روابط اقتصادی با غرب یکی از ملاحظات اساسی چین در رویکردش به جنگ اوکراین است، زیرا اتحادیه اروپا و ایالات متحده از مهم‌ترین شرکای تجاری چین هستند. چین که اروپا را به‌عنوان رأی

چرخشی در توازن جهانی قدرت می‌بیند، تلاش کرده از هم‌راستایی آشکار اتحادیه اروپا علیه خود جلوگیری کند (Nadkarni et al., 2024: 464).

پکن از آغاز جنگ تلاش‌های خود را برای گسترش نفوذ در «جهان جنوب» نیز افزایش داده است؛ جایی که آن را پایگاه قدرتی مهم برای به چالش کشیدن نظم بین‌المللی تحت رهبری ایالات متحده می‌داند. همچنین چین به دنبال تقویت نقش گروه بریکس است. درواقع چین از تجربه روسیه پس از شروع جنگ درس گرفته و به همین دلیل به سرعت در حال تعمیق و گسترش مشارکت‌هاست تا در برابر تحریم‌های فلج‌کننده مصون‌تر شود و مطمئن باشد که در زمان‌های سخت تنها نخواهد بود (Stallard & Rozman, 2023: 91).

روابط چین با غرب و متحدانش متشنج شده و اختلافات پیرامون جنگ اوکراین پتانسیل زیادی برای تشدید این وضعیت دارد. هم‌اکنون چین با هزینه‌های رو به افزایش حیثیتی ناشی از واکنش مبهم خود مواجه است. بسیاری از کشورها در سراسر جهان از این واقعیت که دکترین دیرپای چین درباره «احترام متقابل به حاکمیت و تمامیت ارضی» به نظر نمی‌رسد بیش از یک ابزار تبلیغاتی تحت سیاست واقع‌بینانه چین باشد، دلسرد شده‌اند. ناامیدی و خشم به‌ویژه در تعدادی از کشورهای اروپای مرکزی و شرقی محسوس است. این کشورها یا با حجم بالای پناهندگان اوکراینی مواجه‌اند (مانند لهستان) یا نگران‌اند که هدف بعدی تجاوز روسیه باشند (مانند کشورهای بالتیک) و بنابراین احساس نارضایتی شدیدی از چین دارند (Biba, 2022: 3).

بحران اوکراین به یکی از سنگین‌ترین بحران‌های جهانی بعد از جنگ جهانی دوم تبدیل شد و دامنه‌اش تقریباً همه منافع چین را درگیر کرد؛ از امنیت هسته‌ای گرفته تا اقتصاد جهانی، تجارت و روابط دوجانبه با کشورهای مختلف. دیپلماسی چین در موقعیت سختی قرار گرفت چون باید موضع سیاست خارجی‌اش را طوری تنظیم می‌کرد که هم با واقعیت‌های جنگ روسیه کنار بیاید و هم منافع خودش را حفظ کند. چالش اصلی پکن این بود که از یک طرف مجبور است به شکلی نسبتاً قانع‌کننده حمایت خودش از روسیه را نشان دهد، چون مسکو مهم‌ترین شریک خارجی و تقریباً متحد غیررسمی چین است؛ اما از طرف دیگر نمی‌خواهد کاملاً به تصمیم‌های روسیه برای حل بحران فقط از راه نظامی گره بخورد و هزینه‌های سیاسی و اقتصادی این همراهی را بپردازد. درنتیجه چین در یک وضعیت تعادلی گرفتار شده: حفظ شراکت استراتژیک با روسیه، بدون این که خودش را به ماجراجویی نظامی مسکو متعهد کند (Trush, 2022: 596).

چین در واکنش به جنگ اوکراین موضعی چندوجهی اتخاذ کرده است. از یک‌سو رسماً بی‌طرفی خود را اعلام کرده و بر استفاده از ابزارهای مذاکره تأکید دارد. از سوی دیگر، چین تقریباً با توجیهات روسیه درباره منافع امنیتی‌اش در برابر ناتو همسوست و آن را به‌عنوان ریشه بحران می‌بیند. پکن با تحریم‌های اقتصادی غرب علیه روسیه همراهی نمی‌کند و آن‌ها را ابزار جنگ سرد و سلطه تک‌قطبی می‌داند. هم‌زمان، چین آماده ارائه کمک‌های بشردوستانه به اوکراین و حمایت اقتصادی در بازسازی پس‌از جنگ است. چین همچنین سیاست «کارت اروپا» را فعال کرده و تلاش دارد اتحاد میان اعضای اروپایی و آمریکا را تضعیف کند تا اروپایی‌ها رابطه مستقلى با روسیه ایجاد کنند و نفوذ آمریکا کاهش یابد. این استراتژی نشان‌دهنده تلاشی است برای حفظ منافع ملی، مدیریت رابطه استراتژیک با روسیه، جلوگیری از تشدید تنش با غرب و هم‌زمان افزایش نفوذ چین در صحنه بین‌المللی (Trush, 2022: 595).

نتیجه‌گیری

بر اساس یافته‌های این پژوهش سیاست خارجی چین در قبال بحران اوکراین بر پایه نوعی بی‌طرفی راهبردی و موازنه‌گرایی محتاطانه استوار است. چین نه در صف حامیان آشکار روسیه قرار گرفته و نه در جبهه مخالفان غربی آن، بلکه کوشیده است با اتخاذ مواضعی حساب‌شده و چندلایه، ضمن حفظ روابط نزدیک با مسکو، از مواجهه مستقیم با انتقادات غربی و تحریم‌های بین‌المللی نیز پرهیز کند. این رویکرد نشان‌دهنده تداوم سنت دیرینه سیاست خارجی چین در پرهیز از درگیری‌های مستقیم و تأکید بر ثبات محیط بین‌المللی به‌عنوان پیش‌شرط رشد اقتصادی و امنیت ملی است.

از دل تحلیل مضمون گفتمان رسمی و دیپلماسی عمومی چین، سه مؤلفه اصلی شناسایی شد: نخست، تأکید مکرر بر اصل عدم مداخله و مخالفت با «منطق جنگ سرد» در روابط بین‌الملل؛ دوم، برجسته‌سازی مفهوم چندجانبه‌گرایی واقعی در برابر آنچه پکن «یک‌جانبه‌گرایی غربی» می‌نامد؛ و سوم، تلاش برای «مشروعیت‌بخشی» به نقش میانجی‌گرانه خود در بحران از طریق تأکید بر ضرورت گفت‌وگو، صلح و احترام متقابل. این مضامین، بازتاب‌دهنده راهبرد کلان چین برای بازتعریف نظم جهانی و انتقال تدریجی آن از ساختارهای غرب‌محور به نظم چندقطبی با محوریت قدرت‌های نوظهور است.

علاوه بر آن رفتار و مواضع پکن نشان می‌دهد که این بی‌طرفی اعلامی، در عمل بی‌طرفی واقعی نیست. چین به‌صورت غیرمستقیم از مواضع روسیه در حوزه گفتمانی و اقتصادی حمایت

کرده است. از یک سو، از به کارگیری واژه‌هایی چون تهاجم یا اشغال در توصیف اقدامات روسیه خودداری می‌کند و از سوی دیگر، با افزایش همکاری‌های اقتصادی، خرید انرژی و تعاملات مالی با مسکو، بخشی از فشار تحریم‌های غرب را خنثی کرده است. درواقع، چین با تکیه بر منافع ژئواقتصادی و نیازهای انرژی خود، میان ایدئولوژی بی‌طرفی و واقعیت‌های استراتژیک توازن برقرار کرده است.

از منظر نظری، یافته‌های پژوهش با چارچوب واقع‌گرایی تدافعی سازگاری بالایی دارد. واقع‌گرایی تدافعی بر این فرض استوار است که دولت‌ها نه به دنبال گسترش بی‌پایان قدرت، بلکه به دنبال حفظ امنیت و منافع خود از طریق اجتناب از درگیری‌های پرهزینه هستند. رفتار چین در بحران اوکراین نیز دقیقاً با این منطق هم‌خوان است؛ پکن ضمن حمایت ضمنی از روسیه به‌عنوان شریکی ضدغربی، از ورود به ائتلاف‌های نظامی یا مواضع تهاجمی پرهیز می‌کند تا ثبات محیط بین‌المللی برای ادامه رشد اقتصادی خود را حفظ کند.

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که چین در حال استفاده از بحران اوکراین به‌عنوان فرصتی برای آزمودن نفوذ خود در نظام بین‌الملل و مشروعیت بخشی به مدل حکمرانی و نظم جایگزین چینی است. این کشور با بهره‌گیری از زبان دیپلماتیک نرم و شعارهایی چون صلح پایدار و همکاری برد-برد، می‌کوشد تصویری از قدرتی مسئول و صلح‌طلب ارائه دهد که توانایی میانجی‌گری در بحران‌های جهانی را دارد. درواقع، بحران اوکراین به بستری برای نمایش قدرت نرم چین تبدیل شده است، حتی اگر در عمل منافع ژئواقتصادی آن نقش اصلی را ایفا کند.

در بُعد اقتصادی، چین نه تنها از آسیب‌های ناشی از بحران مصون ماند، بلکه با افزایش واردات انرژی از روسیه و گسترش استفاده از یوان در مبادلات تجاری، بخشی از اهداف بلندمدت خود در بین‌المللی‌سازی ارز ملی و کاهش وابستگی به دلار را پیش برد. در بعد سیاسی، پکن از بحران بهره برد تا وابستگی اروپا به انرژی روسیه و در نتیجه شکنندگی اتحاد فرآ‌آتلانتیکی را برجسته کند. این وضعیت به چین کمک می‌کند که در بلندمدت خود را به‌عنوان قدرتی باثبات و قابل اعتمادتر از غرب معرفی کند. درعین حال، این سیاست ظریف، محدودیت‌هایی نیز دارد. تداوم جنگ و تشدید قطب‌بندی جهانی، چین را در معرض فشارهای فزاینده از سوی غرب قرار داده است. کشورهای اروپایی نسبت به مواضع دوپهلوی و همکاری‌های پنهان چین با روسیه بدبین‌تر شده‌اند و ایالات متحده نیز سیاست مهار مضاعف علیه پکن را تشدید کرده است؛ بنابراین، بی‌طرفی راهبردی چین اگرچه در کوتاه‌مدت منافع اقتصادی و سیاسی خاصی برایش به همراه داشته، در بلندمدت می‌تواند به چالشی در روابط با غرب و اعتبار بین‌المللی این کشور تبدیل شود.

به طور کلی، یافته‌های پژوهش فرضیه آن را که حاکی از این امر است که سیاست چین مبتنی بر ابهام و دوگانگی در منازعه روسیه-اوکراین باعث افزایش موازنه قوا و حفظ تعادل نفوذ چین نسبت به آمریکا و غرب می‌شود را تأیید کرد و نشان داد که موضع چین در بحران اوکراین، بازتابی از منطق قدرت و مصلحت در عصر رقابت ژئوپلیتیکی جدید است. این سیاست نه صرفاً اخلاق محور است و نه کاملاً فرصت طلبانه، بلکه ترکیبی از هر دو عنصر است و نوعی بهره‌گیری از زبان صلح برای پیشبرد منافع قدرت است. چین در تلاش است ضمن حفظ ظاهر بی‌طرفی، نقشی تعیین کننده در شکل دهی نظم بین‌المللی آینده ایفا کند؛ نظمی که در آن، قواعد و نهادها الزاماً از غرب سرچشمه نمی‌گیرند.

در پایان می‌توان گفت که بحران اوکراین برای چین، آزمونی چالشی از توان موازنه‌گری در دنیای چندقطبی در حال ظهور است. رفتار این کشور نشان می‌دهد که آینده نظم بین‌المللی نه در سلطه یک قدرت واحد، بلکه در تعامل، رقابت و همکاری محتاطانه میان قدرت‌های بزرگ رقم خواهد خورد. تحلیل این روندها، ضرورت مطالعه بیشتر بر روی نقش چین در بازتعریف معادلات قدرت جهانی را یادآور می‌شود؛ موضوعی که بدون تردید در دهه‌های آینده به یکی از محوری‌ترین مباحث روابط بین‌الملل بدل خواهد شد.

منابع

فارسی

- حسینی، سیدرضا (۱۴۰۳)، «سیاست خارجی چین و سازمان شانگهای»، **فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز**، شماره ۱۲۶، ۹۱-۱۲۰.
- سمیعی اصفهانی، علیرضا، فرحمند، سارا (۱۴۰۱)، «جنگ روسیه-اوکراین و آینده نظم بین‌المللی»، **فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز**، شماره ۱۱۸، ۸۷-۱۱۳.
- شاه‌منصوری و افشین شامیری (۱۳۸۹)، «اهداف و منافع چین در آسیای مرکزی پس از یازده سپتامبر؛ از همکاری و هم‌جواری تا دیپلماسی اقتصادی بین‌المللی»، **فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز**، شماره ۶۹، ۷۵-۸۹.

لاتین

- Aitzhanova, A., Weil, S., & Kaunert, C. (2025), "China's Strategic Threat Narratives: An Ideationalist Critical Security Perspective on the Russian-Ukraine War". **Journal of Asian and African Studies**, 1-22, DOI: 10.1177/00219096251369525

- Alden, C., Zolkina, M., & Fiala, L. (2025). "Understanding the 'China Factor' in the Russia-Ukraine War". **Peace and Conflict Resolution Evidence Platform**. DOI: 10.7488/era/6172
- Berebon, C. (2023). "Analysing the Russia-Ukraine Conflict from Liberal and Realist Perspectives". **GNOSI: An Interdisciplinary Journal of Human Theory and Praxis**. Volume 6, Issue 2, ISSN (Online): 2714-2485.
- Berziņa-Cerenkova, A., Blablova, V., Borjesson, A., Bukovskis, K., Yu-Wen Chen, J., Duda, D., Ferenczy, Z., Hanso, T., Janeliunas, T., Bo-jiun, J., Lanteigne, M., Liegis, I., Kao, P., Moyer, J., Szczudlik, J., Sebok, F., Simalcik, M., Zeuthen, J. (2025). "Not Important Enough to Neglect Taiwan in the Diplomacy of Northern and Central Europe". **Latvian Institute of International Affairs (LIIA)**.
- Biba, S. (2022). "How to Make China Help Bring the War in Ukraine to an End". **German Institute for Global and Area Studies**, Number 3, DOI: 10.57671/gfas-22032.
- Blanchette, J., & Lin, B. (2022). "China's Ukraine Crisis". **Foreign Affairs**.
- Bonikowska, M. (2025). "India and China on the War in Ukraine: A Comparative Analysis". *Stosunki Międzynarodowe – International Relations*, DOI: 10.12688/stomiedintrelat.17905.2.
- Cho, Y. N. (2024). "A Study on the Chinese Government's Position in the Russia-Ukraine War", (Master's Thesis). Seoul National University.
- Dubn, B. A., & Wang-Kaedin, H. (2023). "Don't let a good crisis go to waste: China's response to the Russia-Ukraine war". **International Politics**, Volume 61, pages 923–953, DOI: 10.1057/s41311-023-00502-3.
- Edinger, H. (2022). "Offensive ideas: structural realism, classical realism and Putin's war on Ukraine". **International Affairs**, Volume 98, Issue 6, DOI: 10.1093/ia/iia217.
- Feryana, J., & Kutej, L. (2023). "Implications for China from the War in Ukraine: Comparison of the Western and Taiwanese Views". **Obrana a Strategie**, 23 (2): 023-038, DOI: 10.3849/1802-7199.23.2023.002.023-038.
- Garcia, Z., & Moldin, K. D. (2022). "Sino-Russian Relations and the War in Ukraine". **The US Army War College Quarterly: Parameters**, Volume 52, Number 3, DOI:10.55540/0031-1723.3165.
- Greitens, S. C. (2022). "China's Response to War in Ukraine". **Asian Survey**, 62 (5-6): 751–781, DOI: 10.1525/as.2022.1807273.
- Gundogan, I. (2024). "China's Responses After the Russian War of Aggression Against Ukraine vis-à-vis the European Union and Its Own Population". **Journal of Current Chinese Affairs**, Vol. 53(2) 325–350, DOI: 10.1177 /18681026231212493.
- Heydarian Pashakhanlou, A. (2018). "The Past, Present and Future of Realism". **E-International Relations**.
- Juneau, T. (2024). "Saudi Arabia's costly war in Yemen: a neoclassical realist theory of overbalancing". **International Relations**, 1–25, DOI: 10.1177/004711782412 31728.
- Jyalita, V. (2021). "Defensive Realism's Perspective on Rising China's Behavior as A Status Quo State". *Jurnal Sentris*, 2(1):73-86, DOI:10.26593/sentris.v2i1.4621.73-86.
- Kondapandalli, S. (2023). "China's Perceptions of Russia during the Ukraine Conflict". **MGIMO Review of International Relations**, 16(2):87-103, DOI:10.24833/2071-8160-2023-2-89-87-103.
- Krajczar, G. (2023). "The Russia-Ukraine War and China: Neutrality with Imperial Characteristics". **Russia's Imperial Endeavor and Its Geopolitical Consequences**, DOI:10.1515/9789633866528-015.
- Leoni, Z., & Srtina, V. (2024). "China: New Hegemonic Power after the War in Ukraine?". **Revista de Estudios en Seguridad Internacional**, Vol. 10, No. 1, pp. 69-88, DOI: 10.18847/1.19.5.

- Menglong, L., & Qiuxuan, H. (2024). "A study of the Impact of Russia-U.S. Relations after the Russia-Ukraine conflict from the perspective of Chinese Scholars". **Sociology, Political Science, International Relations**, Vol. 8, iss. 1. P. 49-59, DOI: 10.35634/2587-9030-2024-8-1-49-59.
- Nadkarni, V., Anier, P. D., Kerr, S., Sharafutdinova, G., Pu, X., Ollapally, D. M., Junior, P. V., Moore, C., Divasallar, A. (2024). "Forum: The Russia-Ukraine War and Reactions from the Global South", **The Chinese Journal of International Politics**, 17(4), 449-489, DOI: 10.1093/cjip/poae021.
- Rothschein, T. (2024). "Chinese reaction to the 2022 Russian invasion of Ukraine". (Master's thesis). **Charles University, Faculty of Social Sciences, Institute of Political Studies, Department of Political Science**.
- Rozman, G. (2023). "Rethinking the Liberal International Order in Asia Under the Impact of the Ukraine War". **The Issue Korea Policy**, Vol. 1, Issue 1.
- Rudloff, P. (2013). "Offensive Realism, Defensive Realism, and the Role of Constraints". **The Midsouth Political Science Review**, Volume 14, pp. 45-77.
- Saaida, M. (2023). "China's Foreign Policy towards the Russian-Ukrainian Crisis". Department of International Relations and Diplomacy, Faculty of Administration Sciences and Informatics, **Al-Istiqlal University**, Jericho - Palestine.
- Sabanadze, N., Vasselier, A., Wiegand, G. (2024). "China-Russia Alignment: A Threat To Europe's Security". **Mercator Institute for China Studies**.
- Samoudi, A. (2025). "Relations between China and Russia Following the Outbreak of the Ukraine War in 2022". **Journal of Iran and Central Eurasia Studies**. 7 (2), 147-162. DOI: 10.22059/jices.2025.390410.1084.
- Sautede, E.T., Mo, F. V., & Tang, J. (2025). "China and the Ukraine war: Global Times' strategic narratives". **Global Media and Communication**, Vol. 21(1) 65 - 89, DOI: 10.1177/17427665251328117.
- Trush, S. M. (2022). "Crisis between Russia and Ukraine: The China Factor". **Russian Academy of Sciences**, Vol. 92, Suppl. 7, pp. S595-S600. DOI: 10.1134/S1019331622130093.
- Turscanyi, R. Q., Dubravcikova, K., Kironka, K., Wang, T., Iocovozzi, J., Gries, P., Vasekova, V., Chubb, A. (2022). "Chinese views of the world at the time of the Russia-Ukraine war. Evidence from a March 2022 public opinion survey". **Palacky University Press and CEIAS**. ISBN: 978-80-8239-007-3.
- Urbansky, S., & Wagner, M. (2025). "Navigating Ambivalence: China's Strategic Calculations in the Ukraine War". **Russian Analytical Digest**, 325, 10-14. DOI: 10.3929/ethz-b-000730664.
- Wang, H., & Zakheim, B. (2025). "Chinas Lessons From The Russia-Ukraine War, Perceived New Strategic Opportunities and an Emerging Model of Hybrid Warfare". **Santa Monica, CA: RAND Corporation**, https://www.rand.org/pubs/research_reports/RRA3141-4.html.
- Xu, Y., & Zhao, X. (2025). "China's Discursive Strategic Neutrality Position in the Russo-Ukrainian War: Insights from China's Strategic Narratives". **Journal of Contemporary China**, 34:156, 1008-1025, DOI: 10.1080/10670564.2025.2479019.
- Zhang, S. (2022). "Rise of China and its behaviours in the South China Sea: an analysis of defensive realism perspective". **Liberal Arts & Social Sciences International Journal (LASSIJ)**, Vol. 6, No. 1, 286-306, DOI: 10.47264/idea.lassij/6.1.18.
- Zhang, S. L., Zixiu, L., & Peng, A. Y. (2024). "Framing NATO in China during the 2022 war in Ukraine". **Media, War & Conflict**, 1 -21, DOI: 10.1177/17506352241268717.